

محاسبه هزینه حج

از اصل یا ثلث ماترک میت در وصیت به حج

احمد صابری مجد*

چکیده

اگر شخصی به حج وصیت کند و یک سوم اموالش برای ادای حج کافی نباشد، بقیه هزینه‌های حج را از کجا تأمین کند؛ از اصل ترکه میت یا از ثلث اموال او؟ در صورت برداشت از ثلث مال، نیازمند اجازه از وارثان میت نیز هست. در این مقاله سعی بر این است که با واکاوی ادله این باب، نظر در خور توجهی ارائه گردد و به این پرسش پاسخ داده شود که: وصیت به انواع حج؛ از حیث استحباب، وجوب و نذری بودن، چه تفاوت‌هایی در نحوه این محاسبه در پی خواهد داشت؟ از این رو، در این بحث، با نگاهی تحلیلی به بررسی و نقد تفصیلی ادله پرداخته شده و حاصلش این است که در وصیت به انجام حجه الاسلام به طور مطلق، بدون اینکه پرداخت از ثلث مال قید شود، پرداخت هزینه از اصل ترکه خواهد بود. اما پرداخت هزینه ادای حج نذری و مستحبی، برخلاف حج واجب، از اصل ترکه نیست؛ بلکه از ثلث اموال پرداخت می‌شود.

کلمات کلیدی: وصیت به حج، ماترک میت، حج واجب، حج نذری، حج مستحب

*. کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه پردیس فارابی تهران / طلبه سطح خارج حوزه علمیه قم / ahmadsaberimajd@gmail.com

درباره واژه «وصیت» و معنای آن، اختلاف نظر وجود دارد؛ برخی همچون علامه حلی در تذکره و سید عاملی در مفتاح الکرامه، وصیت را اسم مصدر و مشتق از وصی، و به معنای «وصل» و «الحاق» دانسته‌اند. برخی دیگر نیز بر این باورند که این واژه از توصیه مشتق شده و به معنای «عهد» است.

در استحباب وصیت در اسلام، هیچ تردیدی وجود ندارد و در این زمینه آیات و روایات بسیاری وارد شده است؛ مانند آیه ۱۸۰ سوره بقره، آیات ۱۱ و ۲۳ سوره نساء و آیه ۱۰۶ سوره مائده که در این آیات به وصیت کردن توصیه شده است. احکام تکلیفی وصیت بر چهار قسم است:

۱. وصیت واجب؛ مثل اینکه کسی وصیت کند حقوق الله و حقوق الناسی که به گردن اوست، ادا شود؛

۲. وصیت مباح؛ مانند وصیت به اموال قلیل و اندک.

۳. وصیت حرام؛ مثل اینکه به آنچه در اسلام حرام است، مانند ساخت شرابخانه وصیت کند؛

۴. وصیت مستحب؛ مثل وصیت کردن به مال زیاد (کاتوزیان، ۱۳۷۶، ص ۲۰). حال در مورد کسی که وصیت به ادای حج می‌کند، اگر هزینه آن از ثلث مال محاسبه شود، در صورتی که هزینه حج بیش از ثلث مال میت شد، نیازمند اجازه وراثت است، اما اگر هزینه از اصل مال است، همانند دیون میت از اصل ترکه کنار گذاشته می‌شود. در این رابطه انواع حج از حیث استحباب و وجوب در نحوه این محاسبه نقش دارد. در ادامه نظریات گوناگونی از اهل سنت و فقه امامیه مورد واکاوی قرار خواهد گرفت که البته نظر فقه امامیه، حقوق مدنی ایران بر اساس آن استوار است، اهمیت بیشتری دارد.

مفاهیم کلی

۱. حج در لغت و اصطلاح

حج در لغت، قصد کردن چیزی را گویند. (ابن درید ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۸۶؛ ابن فارس ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۲۹). «أصل الحجّ القصد للزيارة... خصّ في تعارف الشرع بقصد بيت الله تعالى إقامة للنسك، فقيل: الحجّ والحجّ، فالحجّ مصدر، والحجّ اسم» (راغب اصفهانی،

۱۴۱۲ق، ص ۲۱۸). اصل حج به معنای آهنگ دیدار کردن است... و در عرف شرع، قصد زیارت خانه خدا نمودن، برای برپا داشتن مناسک و اعمال حج است. «الحج»، مصدر است (زیارت کردن) و «الحجج»، اسم مصدر زیارت). پس «حج» در آیه ﴿وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ﴾ (آل عمران: ۹۷) اسم مصدر است؛ یعنی «بر مردم است برای خدا به حج و زیارت خانه خدا روند».

اما در اصطلاح شرع، «حج» عبادت مخصوصی است که در زمان و مکانی معین و به شکلی خاص، در جوار بیت الله الحرام به منظور اطاعت خدا و تقرب به او انجام می شود (سعدی، ۱۴۰۸، صص ۷۷-۷۶؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۸۵).

۴. حج واجب، نذری و مستحبی

حج واجب از اقسام حج است که با شرایطی بر مکلف واجب می شود، اما این وجوب، گاهی به اصل شرع است که به آن حج، حجة الاسلام می گویند، و گاهی به سببی از اسباب؛ مانند نذر است (شاهرودی و همکاران، ۱۳۹۵، ج ۳، ص ۲۴۱). نذر آن است که انسان بر خود واجب کند کار خیری را برای خدا به جا آورد یا کاری که انجام ندادن آن بهتر است، برای خدا ترک کند (اصولی و بنی هاشمی، ۱۳۸۱، ج ۲، صص ۶۱۲-۶۰۹). بنابراین، حج نذری آن است که به سبب نذر کردن واجب شده است و کسی که نذر کرده حج بگزارد، وفای به نذر و به جا آوردن آن بر او واجب است. حج نذری همان حج واجب به سبب نذر است و از آن در باب حج سخن گفته اند (شاهرودی و همکاران، ۱۳۹۵، ج ۳، صص ۲۳۸-۲۳۶).

حج مستحبی مقابل حج واجب است. کسی که شرایط حج واجب را ندارد، حج او مستحبی است (طباطبایی یزدی، ۱۴۰۹، ج ۴، صص ۵۹۶-۵۹۵).

شرط صحت حج مستحبی، عدم اشتغال ذمه حج گزار به حجة الاسلام است. از این رو، کسی که حج واجب بر عهده دارد، نمی تواند حج مستحبی به جا آورد (بحرانی، ۱۴۱۰، ج ۱۴، ص ۲۴۶) و در صورت انجام دادن، حج او باطل است (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۶۵؛ نجفی، ۱۴۰۴، ج ۱۷، ص ۳۶۳).

۳. وصیت در لغت و اصطلاح

وصیت از ریشه «وَصِيَ» است که در لغت به معنای گیاهان به هم متصل و بافته شده آمده و «أرض واصلیه» یعنی زمینی که سراسر پوشیده از گیاه به هم متصل است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۵، ص ۳۹۵) وصی در لغت به معنای اندر زدهنده، وصیت کننده، سفارش کننده و... آمده است (معین، ۱۳۹۱، ص ۴۸۵).

وصیت در اصطلاح فقه این است که انسان، تملیک و واگذاری عین یا منفعت مال را بعد از وفات خودش به شخص دیگر یا به عموم مردم سفارش کند؛ به طوری که تصرف در اموال وی، بعد از مرگش، برای دیگران مباح باشد (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۵۱۲)؛ به بیان دیگر، وصی به کسی می گویند که بعد از مرگ وصیت کننده، طبق وصیتنامه، حق دخل و تصرف در امور و اموال میت را دارد.

در تعریفی دیگر از وصیت آمده است: «وصیت»، برنامه‌های عهد و ایصال (رساندن)، و آن همان چیزی است که به آن وصیت می شود و «وصی»، کسی است که به تعهد و ایصال متصف باشد. البته این معنا بر «موصی» (وصیت کننده)، که تعهد می کند، همچنین بر «موصی الیه»، که اجرای تعهد را می پذیرد و تحقق رساندن وصیت به دست ایشان است، صدق می کند (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۱۳، ص ۱۲۸).

پرداخت هزینه ادای حج واجب از اصل مال

اگر موصی وصیت کند که حج واجبش را به جا آورند، هزینه چنین حجی از اصل مال پرداخت می شود؛ مگر اینکه در وصیتش تصریح کند که از ثلث اموالش داده شود که در این صورت اگر ثلث کافی نباشد، مازاد آن از اصل پرداخت می شود. در اینجا محور سخن، قسمت نخست است که موصی به طور مطلق حج واجب را بر ذمه خود دیده است؛ نه آنجا که به پرداخت هزینه از ثلث اموال تصریح می کند که ثلث اموال او، چه در فرض پذیرش ادله اثبات هزینه حج واجب از اصل مال و چه در فرض عدم پذیرش آن، نافذ است و ادله منجز بودن چنین وصیتی در یک سوم اموال، در کتاب‌های فقهی اثبات شده است. در فرض دوم مسئله نیز در جایی که هزینه مازاد بر ثلث است

و سؤال می‌شود که اگر هزینه‌ای شود، آیا می‌تواند بدون اجازه ورثه از اصل مال پرداخت شود، این را هم می‌توان جزو بحث دانست (امام خمینی، ۱۴۱۳ق، ص ۳۹۷).

۱. ادله پرداخت هزینه از اصل ترکه

یک - اجماع

در خروج هزینه حج واجب از اصل مال، میان فقهای شیعه اتفاق نظر وجود دارد (سید مرتضی، ۱۴۱۷ق، ج ۶، ص ۳۱۲؛ اردبیلی ۱۴۰۳ق، ص ۸). برخی از علمای اهل سنت هم معتقدند که هزینه حج واجب از اصل مال پرداخت می‌شود. ابن قدامه نقل می‌کند: «لو اوصی و اطلق کان من رأس المال»؛ اگر کسی به حج وصیت کند و تعیین هزینه ادای حج را به یک سوم اموالش منوط نکند، از اصل ترکه پرداخت خواهد شد. شافعی هم موافق این نظریه است (ابن قدامه، ۱۴۰۲ق، ج ۶، ص ۵۶۱).

دو - دین بودن حج

وقتی حج دین باشد، باید در مورد آن، مانند سایر قواعد در وصیت عمل کرد؛ با این استدلال که حج واجب از دیون است (صغرا)، و دیون از اصل مال برداشته می‌شود، (کبرا)؛ پس، هزینه حج واجب از اصل مال کنار گذاشته می‌شود؛ (نتیجه). در میان ادله، این دلیل را می‌توان مستحکم و خدشه‌ناپذیر دانست (نجفی، ج ۱۷، ۱۴۲۱ق، ص ۳۹۶).

سه - روایات

چهار روایت صحیح در باب بیست و پنجم کتاب شریف وسائل الشیعه، از ابواب وجوب و شرایط حج وجود دارد که می‌تواند به عنوان دلیل برای اثبات پرداخت هزینه حج واجب مورد استناد قرار گیرد. مضمون این روایات در مورد فردی است که به حج وصیت کرده و از دنیا رفته است. امام علیه السلام در پاسخ به چگونگی محاسبه هزینه حج از ترکه میت می‌فرماید: اگر حج از نوع واجب باشد، هزینه آن از اصل مال خارج می‌شود:

(الف) معاویه بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که مرده و وصیت کرده بود به جای او حج به جا آورند، پرسیدم و امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: «اگر سروره

(حج واجب) باشد، هزینه ادای حج از همه اموال خواهد بود و اگر مستحب بود، از ثلث مال پرداخت می شود.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۶۶).^۱

ب) محمد بن یعقوب از امام صادق علیه السلام نقل می کند: در مورد مردی که می میرد و وصیت می کند که به جای او حج به جا آورند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر صروره (حج واجب) باشد، هزینه ادای حج از همه اموال خواهد بود که این حج به منزله دیون این شخص است و اگر حج مستحب بود، از ثلث مال پرداخت می شود.» (همان، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۶۷).^۲

ج) محمد بن علی بن حسین از امام صادق علیه السلام چنین نقل می کند: از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که به حج وصیت کرده بود سؤال شد و امام در پاسخ فرمودند: «اگر صروره (حج واجب) باشد، هزینه ادای حج از همه اموال خواهد بود، برای اینکه این حج جزو دیون شخص است و اگر حج مستحب بود، از ثلث مال پرداخت می شود.» (همانجا).^۳

د) معاویه بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد مردی که فوت کرد و به حج وصیت کرده بود پرسیدم، حضرت در پاسخ فرمودند: «اگر صروره (حج واجب) باشد، هزینه ادای حج از همه اموال خواهد بود. اگر غیر صروره (حج مستحب) بود، از ثلث مال پرداخت می شود.» (همانجا).^۴

در روایت نخست، که صحیحه است، شخصی از حضرت امام صادق علیه السلام در مورد مردی سؤال می کند که از دنیا رفته و وصیت کرده که حجی به جایش بیاورند. و حضرت

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ مَاتَ فَأَوْصَى أَنْ يُحَجَّ عَنْهُ قَالَ إِنْ كَانَ صَرُورَةً فَمِنْ جَمِيعِ الْمَالِ وَإِنْ كَانَ تَطَوُّعًا فَمِنْ ثُلُثِهِ».

۲. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام فِي رَجُلٍ تَوَفَّى وَ أَوْصَى أَنْ يُحَجَّ عَنْهُ قَالَ إِنْ كَانَ صَرُورَةً فَمِنْ جَمِيعِ الْمَالِ إِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ الدَّيْنِ الْوَاجِبِ وَ إِنْ كَانَ قَدْ حَجَّ فَمِنْ ثُلُثِهِ».

۳. «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَارِثِ بَيَّاعِ الْأَنْطَاطِ أَنَّهُ سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ أَوْصَى بِحَجَّةٍ فَقَالَ إِنْ كَانَ صَرُورَةً فَهِيَ مِنْ صُلْبِ مَالِهِ إِنَّمَا هِيَ دَيْنٌ عَلَيْهِ وَ إِنْ كَانَ قَدْ حَجَّ فَهِيَ مِنَ الثُّلُثِ».

۴. «وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ مَاتَ وَ أَوْصَى أَنْ يُحَجَّ عَنْهُ قَالَ إِنْ كَانَ صَرُورَةً حَجَّ عَنْهُ مِنْ وَسْطِ الْمَالِ. وَ إِنْ كَانَ غَيْرَ صَرُورَةٍ فَمِنْ الثُّلُثِ».

در جواب می‌فرمایند: اگر صَرُورَه باشد؛ یعنی حَجَّةُ الْاِسْلَام به گردش بوده و به جا نیاورده، باید از جمیع مال؛ یعنی از اصل تر که پرداخت شود و اگر حج مستحب باشد، از ثلث خواهد بود.

حدیث دوم نیز مانند روایت نخست است؛ علاوه بر اینکه حج واجب را به منزلهٔ دین می‌شمارد، حج مستحب یا حج نذری را از ثلث می‌داند.

در حدیث سوم آمده است که از امام صادق علیه السلام در مورد مردی سؤال شد که به حج وصیت کرده است. ایشان می‌فرمایند:

«اگر حج واجب بوده، از صُلب و اصل مال خواهد بود و این حج واجب مثل دین است و اگر قبلاً حَجی را به جا آورده و به حج وصیت کرده؛ یعنی حج نَدَبی باشد، از ثلث مال خواهد بود.»

در حدیث چهارم، معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که شخصی گفت: از حضرت در مورد مردی سؤال کردم که مرده و وصیت کرده است که از طرف او حج به جا آورند و امام علیه السلام در جواب فرمودند: اگر حج واجب باشد، از وَسَطُ الْمَالِ؛ یعنی از اصل مال پرداخت می‌شود و اگر غیر حج واجب باشد، از ثلث پرداخت می‌شود.

پرداخت هزینه ادای حج نذری از اصل یا ثلث مال؟

پرداخت هزینه حج نذری از اصل مال، قبل از اینکه بین ورثه تقسیم شود (همانند حَجَّةُ الْاِسْلَام)، مسئله‌ای اجماعی و اتفاقی نیست و آرای فقها در این زمینه دو گونه است: عده‌ای از فقها همچون اسکافی و شیخ صدوق در سه کتاب خود (نهایه، تهذیب و مبسوط) و محقق در کتاب المعتمر و ابن سعید در الجامع به این نظریه معتقد شده‌اند که هزینه حج نذری از ثلث مال برداشته می‌شود؛ در مقابل، عده‌ای دیگر از فقها همچون ابن ادریس و اکثر علمای متأخر قائل شده‌اند که هزینه حج منذور از اصل مال برداشته می‌شود (حائری، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۹۸). جمهور اهل سنت هم معتقدند که این هزینه از رأس المال پرداخت می‌شود و فقط حنفی‌ها بر این باورند که از ثلث مال برداشته می‌شود (موسوعه کویتیه، ۱۴۰۵، ج ۴۳، ص ۲۷۰).

۱. ادله قائلان به پرداخت هزینه ادای حج نذری از اصل مال

قائلان به این نظریه به دو دلیل استناد کرده‌اند:

الف) نذر از واجبات مالی است و واجب مالی از اصل ترکه پرداخت می‌شود؛

ب) نذر، دین است و هر دینی از اصل ترکه خارج می‌شود.

اما ادله آنان خدشه‌پذیر است. در دلیل اول فرض بر این گرفته شده که نذر از واجبات مالی است و جنبه مالی دارد؛ در حالی که به نظر می‌رسد فقط مقدمات حج، واجب مالی است، نه خود حج؛ مثل وضو برای نماز که گاهی اوقات به مقدمات مالی نیاز دارد؛ از قبیل خرید آب برای وضو؛ ولی این دلیل نمی‌شود که خود وضو هم واجب مالی باشد. به دلیل دوم نیز نمی‌توان استناد کرد؛ زیرا حج مندور اصلاً دین نیست؛ بلکه صرفاً فعل است که باید ایتان و انجام شود. بنابراین، با رد ادله قائلان به پرداخت هزینه حج نذری از اصل ترکه، این نظریه مردود می‌شود.

۲. ادله قائلان به پرداخت هزینه ادای حج نذری از ثلث مال

قائلان به این نظریه، به دو روایت تمسک جسته‌اند که تصریح می‌کنند هزینه ادای

حج نذری از ثلث مال پرداخت می‌شود (حائری، ۱۴۱۸، صص ۱۰۰-۹۹):

الف) ضریس کناسی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام در مورد مردی پرسیدم که حج واجب در ذمه‌اش بوده و [با این حال] نذر کرده که در صورت برآورده شدن حاجتش مردی را به حج خانه خدا ببرد و قبل از اینکه حج واجبش را به جا آورد، از دنیا برود و حج واجب خود و حج نذری را انجام ندهد... امام علیه السلام فرمودند: اگر مالی از او باقی مانده است؛ از طرف او حج واجب انجام داده شود و هزینه آن از اصل مال پرداخت شود و از ثلث مالش، هزینه حج نذری که کرده، پرداخت می‌شود و اگر مالش فقط به اندازه حج واجب بوده، به اندازه تمام مالش حج آورده می‌شود و ولی او حج نذری به جا می‌آورد و این حج واجب، همانند دین است (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۱، ص ۷۴).^۱

۱. «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَّابٍ عَنْ ضُرَيْسِ الْكِنَاسِيِّ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ عَلَيْهِ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ نَذَرَ نَذْرًا فِي شُكْرٍ لِيُحِجَّنَّ بِهِ رَجُلًا إِلَى مَكَّةَ فَهَاتَ الَّذِي نَذَرَ قَبْلَ أَنْ يُحِجَّ حَجَّةَ الْإِسْلَامِ وَمِنْ قَبْلِ أَنْ يَفِيَّ بِنَذْرِهِ الَّذِي نَذَرَ قَالَ إِنْ تَرَكَ مَا لَا يُحِجُّ

ب) عبدالله بن ابی یغفور می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی نذر کرد اگر خداوند فرزندش را از بیماری که دارد شفا دهد آن فرزند را به بیت الله الحرام بفرستد تا حج به جا آورد و خداوند آن فرزند را شفا داد و پدر از دنیا رفت [بدون اینکه نذر خود را ادا کند]؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: حج نذری بر ذمه پدر مانده است که بعضی از فرزندان او باید آن را به جا آورند. گفتیم: آیا این حج را آن فرزندی که شفا یافته است باید انجام دهد؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: این حج بر پدر واجب است و از ثلث مال پرداخت می شود و اگر پسر مایل است، با هزینه خودش آن حج را از جانب پدرش به جا بیاورد (همانجا).^۱

در روایت اول که صحیح است، امام محمد باقر علیه السلام در پاسخ به سؤال در مورد شخصی که حج واجب به گردنش بود و با این حال نذر کرد مردی را به حج ببرد، ولی از دنیا رفت و حج واجب خود و حج نذری را انجام نداد، فرمودند:

«اگر مالی از او باقی مانده، از طرف او حج واجب انجام دهد و از اصل مال بپردازد و از ثلث مالش، برای حج نذری که کرده هزینه کند و اگر مالش فقط به اندازه حج واجب بود، تمام مالش را بدهند و حج واجب را به جا آورند و ولی او حج نذری را به جا آورد و این حج واجب همانند ذین است.»

این روایت از حیث دلالت به روشنی بیانگر این است که هزینه حج نذری از ثلث مال پرداخت می شود.

در روایت دوم، امام صادق علیه السلام در مورد مردی که نذر کرده اگر خداوند فرزندش را از بیماری شفا دهد، آن فرزند را به بیت الله الحرام بفرستد و خداوند آن فرزند را شفا داده و پدر از دنیا رفته، فرمودند: «این حج نذری بر ذمه پدر مانده است و هزینه آن از ثلث ماترک او پرداخت می شود.»

عَنْهُ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ مِنْ جَمِيعِ الْمَالِ وَأَخْرَجَ مِنْ ثُلُثِهِ مَا يُحِجُّ بِهِ رَجُلًا لِنَذْرِهِ وَقَدْ وَفَى بِالنَّذْرِ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ تَرَكَ مَالًا بِقَدْرِ مَا يُحِجُّ بِهِ حَجَّةُ الْإِسْلَامِ حُجَّ عَنْهُ بِمَا تَرَكَ وَيُحِجُّ عَنْهُ وَلِيُّهُ حَجَّةُ النَّذْرِ إِنَّمَا هُوَ مِثْلُ دَيْنٍ عَلَيْهِ».

۱. «عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ رَبَّابٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي يَعْفُورٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ رَجُلٌ نَذَرَ لِلَّهِ أَنْ عَاقَى اللَّهَ ابْنَهُ مِنْ وَجَعٍ لِيُحِجَّهُ إِلَى بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ فَعَاقَى اللَّهَ الْإِبْنَ وَمَاتَ الْأَبُ فَقَالَ الْحُجَّةُ عَلَى الْأَبِ يُؤَدِّيَهَا عَنْهُ بَعْضٌ وَوَلَدُهُ قُلْتُ هِيَ وَاجِبَةٌ عَلَى ابْنِهِ الَّذِي نَذَرَ فِيهِ فَقَالَ هِيَ وَاجِبَةٌ عَلَى الْأَبِ مِنْ ثُلُثِهِ أَوْ يَتَطَوَّعُ ابْنُهُ فَيُحِجُّ عَنْ أَبِيهِ».

حج مستحب

هزینه حج مستحب، از ثلث مال پرداخت می‌شود و این مسئله، اجماعی است و نظریه مخالفی نداشته است (حائری، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۳۹۶ و حکیم، ۱۴۱۶، ج ۱۱، ص ۷۷). علاوه بر اجماع فقها در این مسئله، روایات فراوانی در این باب وارد شده است که به صراحت بیان می‌کنند هزینه حج مستحبی از ثلث مال پرداخت می‌شود. این روایات که از حیث سند صحیح‌اند و دلالت واضحی بر مطلب دارند، در واقع همان ادله نحوه پرداخت هزینه حج واجب‌اند که پیش از این بیان شدند.

نتیجه گیری

وجود آرای گوناگون در «نحوه محاسبه هزینه پرداخت در وصیت به حج» را باید با توجه به انواع حج از حیث حَجَّةِ الْاِسْلَام، نذری و مستحبی بودن، بررسی کرد:

۱. در وصیت به ادای حَجَّةِ الْاِسْلَام به طور مطلق، بدون اینکه پرداخت از ثلث مال را قید کند، پرداخت هزینه از اصل ترکه خواهد بود. این نظریه مورد تأیید همه فقهای اسلامی است و آنان به سه دلیل تمسک کرده‌اند: اجماع؛ دین بودن حج واجب و اینکه دیون از اصل پرداخت می‌شوند؛ دلالت چهار روایت که همگی از حیث سند، صحیح‌اند و به روشنی بر مطلب دلالت دارند.
۲. پرداخت هزینه ادای حج نذری بر خلاف حج واجب از اصل ترکه نیست؛ بلکه از ثلث اموال پرداخت می‌شود و برای اثبات پرداخت هزینه حج نذری از اصل ترکه، نمی‌توان چنین استدلال کرد که حج نذری از واجبات مالی و جزو دیون است؛ چراکه حج از امور مالی نیست و فقط مقدماتش واجب مالی است. همچنین نمی‌توان ملتزم شد که حج نذری از دیون است؛ زیرا حج منذور اصلاً دین نیست؛ بلکه صرفاً فعل است که باید ایتان و انجام شود. با وجود روایاتی که از حیث سند، صحیح‌اند و دلالت روشنی دارند، باید به نظریه پرداخت هزینه حج نذری از ثلث اموال قائل شد.
۳. در مورد حج مستحب، همه فقهای اسلامی بالاجماع معتقدند که هزینه آن از ثلث پرداخت می‌شود و روایات صحیحی نیز برای اثبات این مطلب وجود دارد.

۱. ابن دُرید، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق). جمهرة اللغة، بيروت، دار العلم للملايين.
۲. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاييس اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامي.
۳. ابن قدامه عبدالرحمان (۱۴۰۲ق). المغني، بيروت، مؤسسة تاريخ العربي.
۴. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، دار بيروت، چاپ سوم.
۵. احسان، بنی هاشمی خمینی، محمد حسن (۱۳۸۱ش). رساله توضیح المسائل (مراجع)، دفتر انتشارات اسلامي.
۶. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳ق). مجمع الفائدة و البرهان، قم. دفتر انتشارات اسلامي.
۷. امام خمینی، سیدروح الله موسوی (۱۴۱۳ق). تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۸. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۱۰ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، دفتر انتشارات اسلامي.
۹. حائری، سیدعلی (۱۴۱۸ق). ریاض المسائل، قم، مؤسسه آل البيت.
۱۰. حکیم، سیدمحسن طباطبای (۱۴۱۶ق). مستمسک العروة الوثقی، قم، مؤسسه دارالتفسیر.
۱۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت.
۱۲. سعدی، ابوجیب (۱۴۰۸ق). القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا، دار الفکر، چاپ دوم.
۱۳. سید مرتضی، علی بن حسین (۱۴۱۷ق). المسائل الناصريات، تهران، رابطة الثقافه و العلاقات الاسلاميه.
۱۴. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳ق). مسالك الافهام، قم، مؤسسه المعارف الاسلاميه.
۱۵. طباطبای یزدی، سید محمد کاظم (۱۴۰۹ق). العروة الوثقی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۱۶. طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵ش). مجمع البحرين، تهران، چاپ سوم.
۱۷. عاملی (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه، تهران، مؤسسه آل البيت.
۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۶ش). وصیت در حقوق مدنی، انتشارات تهران.

۱۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۰. معین، محمد (۱۳۹۱ش). فرهنگ فارسی، امیر کبیر، چاپ ۲۷
۲۱. موسوعة کویته (۱۴۰۵ق). اوقاف و شئون اسلامی کویته.
۲۲. مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی زیر نظر آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی (۱۳۹۵ش). دائره المعارف فقه اسلامی.
۲۳. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، بیروت، دار احیاء التراث، چاپ هفتم.
۲۴. نجفی، محمد حسن (۱۴۲۱ق). جواهر الکلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

